



دیوان عدالت اداری

بسمه تعالی

شعبه ۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری
دادنامه

شماره قرار: ۱۴۰۵۳۱۳۹۰۰۰۳۰۱۸۶۴
تاریخ تنظیم: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴
شماره پرونده:
شماره بایگانی شعبه: ۱

بسمه تعالی

طرف شکایت - شهرکهای صنعتی البرز

موضوع خواسته - اعتراض به رای کارگروه جز (۱) بند (خ) ماده (۴۸) قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت کشور

گردشکار: دادخواست تقدیمی ثبت دفترکل دیوان عدالت اداری و به این شعبه ارجاع گردیده نسخه ثانی دادخواست و ضمائم به طرف شکایت ارسال تبادل لوایح معمول پاسخ کتبی و لایحه دفاعیه واصل شده است. شاکی در شرح و متن دادخواست با این مضمون اظهار و بیان داشته اند: الف) قواعد راجع به صلاحیت ذاتی مرجع رسیدگی رعایت نشده است. به موجب فصل «و» بند ۵ قرارداد منعقد، حل و فصل کلیه اختلافات ناشی از قرارداد به داور سپرده شده، با توجه به اصل حاکمیت اراده و برتری توافق طرفین در پیش بینی شرط داوری در قرارداد، از آن جهت که زوال شرط داوری به روش های قانونی اثبات نشده تا مرجع دیگری صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد را پیدا کرده باشد همچنین در اخطاریه ابلاغ شده مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۲ (پیوست سوم) صلاحیت مرجع داوری جهت رسیدگی به اختلاف توسط شرکت شهرک صنعتی تصریح گردیده لذا رای صادر شده از آن مرجع فاقد اعتبار، مخدوش و شایسته نقض می باشد. ب) عدم پای بندی به شیوه نامه و انتظامات قانونی پیش بینی شده در قرارداد. بر فرض اینکه صلاحیت کارگروه قابل پذیرش باشد (که مسلماً این گونه نیست)، کمیته پایش به موجب ماده ۱ بند ۲ دستور العمل پایش طرح ها (پیوست چهارم) موظف بوده دلایل و مستندات طرف قرارداد را بررسی نماید و در صورتی که تخلف احراز شد پیشنهاد فسخ به کارگروه ارسال گردد اما ملاحظه می گردد خلاف مقررات قانونی و حقوق حقه موکل اقدام نموده و در شرایطی که به موجب ۱

پنجم) مهلت ۹ ماهه زمان بندی بازبینی شده قرار داشته اند و موکل در حال پیشبرد پروژه و انجام اقدامات قانونی لازم جهت ایفا تعهدات قراردادی بوده است، این امر با عنایت به تامین دلیل (پیوست ششم) صورت گرفته توسط موکل پیشرفت فیزیکی پروژه عیان می باشد، ابلاغ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ (پیوست هفتم) جهت حضور در کارگروه مذکور و تشکیل جلسه مورخ جهت اعلام فسخ قرارداد ارسال گردیده، این امر خلاف حقوق مکتسبه موکل و خلاف اصول دادرسی منصفانه بوده است. دستگاه طرف شکایت در مقام دفاع با این مضمون اعلام نموده اند: به موجب تبصره ۲) فصل (ب) قرارداد فیما بین، نامبرده هیچگونه مالکیتی نسبت به زمین موضوع قرارداد بدست نمی آورد و فقط حق بهره برداری، انتفاع و استفاده از آن و امکانات زیربنایی و خدماتی مندرج در قرارداد به ایشان تخصیص گردیده فلذا موضوع قرارداد متنازعیه، اباحه در انتفاع آنهم در قالب احدی از عقود جاریه (حق انتفاع) بوده و مالکیت عین کماکان به این شرکت تعلق داشته و دارد. نکته حائز اهمیت آنکه حسب بند (۵) فصل (د) قرارداد مذکور، نامبرده مکلف بوده ظرف مدت یکسال و با رعایت کلیه ضوابط و مقررات حاکم بر این شرکت نسبت به اتمام عملیات ساختمانی اقدام نمایند لیکن متأسفانه علیرغم گذشت بیش از ۵ سال از انعقاد قرارداد فیما بین و مساعدتهای معموله نه تنها هیچ اقدامی در راستای ایفاء تعهدات مافی الذمه و تکالیفی که شرعاً و قانوناً مکلف به اجرای آنها بوده، معمول نداشته بلکه با حبس عرصه تخصیصی عملاً امکان و فرصت سرمایه گذاری را از سایر صنعتگران سلب و این شرکت دولتی را از نیل به اهداف اصولی خود باز داشته که موید اظهارات تبیینی موصوف فرم پیشرفت فیزیکی طرح و همچنین تصاویر پیوستی به تاریخ بوده که با ملاحظه آن توسط ریاست محترم شعبه و هر فرد عادل، به عینه تخلف مشارالیه از مفاد قرارداد فیما بین کاملاً محرز و مشهود میگردد. (میزان ۳ درصد پیشرفت فیزیکی شامل دیوارچینی، در حالیکه موضوع قرارداد فیما بین بشرح مرقومه فوق، ایحاد و احداث کارخانه بوده است.) - با عنایت به اتمام مهلت اعطایی نامبرده درخواست ابقاء قرارداد را نموده که این مهم در جلسه مورخه

یثت مدیره این شرکت مطرح و حسب بند (۸) صورتجلسه ۳۵۳ به میزان ۶ ماه جهت اخذ گواهی پایانکار و ۳ ماه جهت دریافت پروانه

تصویر برابر با اصل است.

تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبری - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری



دیوان عدالت اداری

بسمه تعالی

شعبه ۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

دادنامه

شماره قرار: ۱۴۰۵۳۱۳۹۰۰۰۳۰۱۸۶۴

تاریخ تنظیم: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴

شماره پرونده: ۲

شماره بایگانی شعبه: ۱

بهره برداری (حسب برنامه زمانبندی تفصیلی) اعطای مهلت گردید لیکن بدلیل عدم مراجعه مشارالیه جهت جری تشریفات قانونی من جمله سپردن تعهد لازمه و باتوجه به بند آخر مستند مزبور این مهم از درجه اعتبار ساقط گردیده است. اینک جلسه رسیدگی شعبه نهم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در وقت فوق العاده بتصدی امضاء کنندگان ذیل تشکیل است و پرونده کلاسه فوق تحت نظر قراردادهای قضائی شعبه دیوان بابررسی اسناد و مدارک و مستندات ابرازی و موجود پس از اعلام ختم رسیدگی و بالاستعانت از خداوند متعال به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی شعبه نهم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

در خصوص دادخواست تقدیمی شاکی به طرفیت سازمان طرف شکایت به شرح خواسته فوق باتوجه به اسناد و مدارک و مستندات موجود و اظهارات طرفین پرونده نظریه اینکه اولاً- رسیدگی به موجب تبصره ۲ الحاقی مورخ ۱۰/۲/۱۴۰۲ به ماده ۳ قانون دیوان عدالت اداری شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از عمومی و خصوصی از آراء و تصمیمات مراجع اختصاصی اداری موضوع بند ۲ ماده ۱۰ این قانون مستقیماً در شعب تجدیدنظر مطرح و مورد رسیدگی قرار می گیرد. ثانیاً- با توجه ابطال شرط داوری مندرج در قراردادهای شرکت شهرک های صنعتی به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۲۵/۰۷/۱۴۰۲ و پس از ابلاغ قانون پنجساله هفتم و متعاقباً ابلاغ آیین نامه اجرایی جزء یک بند خ ماده ۴۸ قانون برنامه پنج ساله هفتم جمهوری اسلامی ایران از سوی هیأت محترم وزیران در مورخ ۱۸/۰۹/۱۴۰۳، شرکت شهرکهای صنعتی استانی در خصوص نحوه تعیین تکلیف قراردادهای راکد صرفاً می بایست از طریق کارگروه جزء یک بند خ ماده ۴۸ قانون برنامه اقدام نماید ثالثاً- برابر قرارداد شماره ۱ مورخه ۱۳۸۵/۰۱/۰۱ رفا "حق انتفاع" قطعه ای از قطعات شهرک موصوف به میزان مترمربع به شاکی اختصاص یافته تا بر اساس جواز تأسیس شماره ۱۳۸۵/۰۱/۰۱ مورخه ۱۳۸۵/۰۱/۰۱ صادره از ناحیهی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان البرز نسبت به ایجاد و احداث کارخانه در زمینهی "ریخته گری فولاد و ساخت قطعات فولادی به روش متالورژی پودر" اقدام نماید و متعاقب آن گواهی پایان کار ساختمانی از این شرکت و پروانه بهره برداری از سازمان صنعت، معدن و تجارت دریافت نماید، لیکن با عنایت به عدم ایفاء تعهدات قراردادی حسب بازدید و ارسال پیشرفت فیزیکی از سوی مدیر شهرک صنعتی، پیشرفت فیزیک ۳ درصد بوده است رابعاً- مستند به جزء «۱» بند «خ» ماده ۴۸ قانون برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران که اشعار میدارد: «فسخ قراردادهای غیرفعال و خلع ید از اراضی راکد که باید به دلیل تخلف از انجام تعهدات قراردادی به تشخیص مراجع قانونی ذیصلاح صورت گیرد، در شهرکها و نواحی صنعتی در هر استان بر عهده کارگروهی متشکل از مدیرعامل شرکت شهرکهای صنعتی استان، نماینده استاندار و نماینده رئیس کل دادگستری استان میباشد»، که بر این اساس و با توجه به عدم تحقق امر، مطابق نص صریح ماده صدرالاشاره، قرارداد ایشان در کارگروه یاد شده مطرح و حسب اختیارات قانونی مذکور، منجر به فسخ و خلع ید از اراضی دولتی تخصیصی با توجه به ضمانت اجراهای مقرر در قرارداد و همچنین قوانین و مقررات مربوطه گردیده است. خامساً- از ناحیه شاکی دلیل و مدرکی که موجب ایراد و خدشه در اساس رأی و نقض آن بشود ارائه نگردیده و رأی مورد اعتراض بارعایت اصول و موازین و مقررات شکلی و ماهوی صحیح صادر شده است لذا شعبه دیوان شکایت را غیروارد تشخیص داده و به استناد بند ۲ ماده ۱۰ و ماده ۶۳ از قانون صدورالذکر و ضمن تایید دادنامه معترض عنه و ابرام آن حکم به رد شکایت صادر و اعلام می نماید. رأی صادره قطعی می باشد.

تصویر برابر با اصل است.

تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبری - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری